

مجموعه

«دو سده سخنوری»

زمینه و زمانه‌ی سخنوری

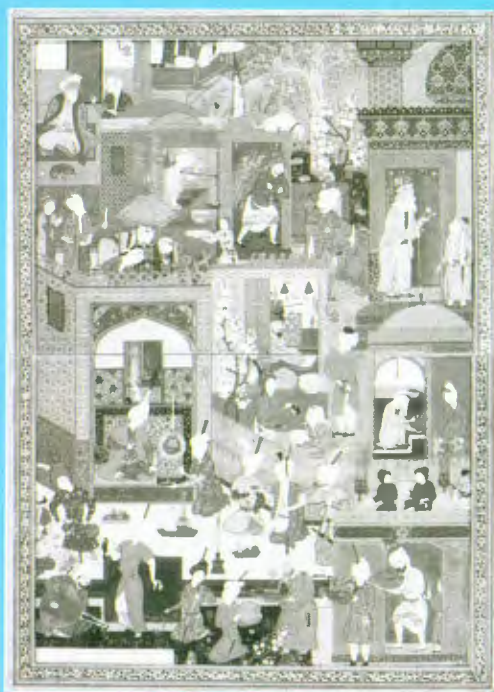
سعدی، خواجه و حافظ

(۱)



تاریخ اجتماعی شیراز

در سده‌های هفتم و هشتم هجری



دکتر هادی پیروزان

تاریخ اجتماعی شیراز
در سده‌های هفتم و هشتم هجری



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

-
- سرشناسه: ————— پیروزان، هادی، ۱۳۶۲ -
عنوان و نام پدیدآور: ————— تاریخ اجتماعی شیراز در سده‌های هفتم و هشتم هجری / هادی پیروزان؛
————— سرویراستار و ناظر علمی مجموعه: کاووس حسنی؛ دستیار پژوهشی مجموعه: فرزانه معینی.
مشخصات نشر: ————— تهران: نشر خاموش، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری: ————— ۲۸۲ ص: ۱۴/۲۱×۵/۲۱ س.م.
فروست: ————— مجموعه دو سده سخنوری (زمینه و زمانه سخنوری سعدی، خواجو و حافظ).
شابک: ————— ۹۷۸-۶۲۲-۶۹۴۲-۰۰۵-۸ : دوره. : ۷۰۰۲-۶۹۴۲-۶۲۲-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: ————— فیبا
یادداشت: ————— نمایه.
موضوع: ————— شیراز -- تاریخ -- قرن ۷-۸ ق.
موضوع: ————— Shiraz (Iran) -- History -- 13-14th centuries
شناسه افزوده: ————— حسنی، کاووس، ۱۳۶۱ -
شناسه افزوده: ————— معینی، فرزانه، ۱۳۶۲ -
رده‌بندی کنگره: ————— DSR۲۱۱۵
رده‌بندی دیویی: ————— ۹۵۵/۷۲۲
شماره کتابشناسی ملی: ————— ۵۸۱۴۰۰۴
-

تاریخ اجتماعی شیراز

در سده‌های هفتم و هشتم هجری

هادی پیروزان

دانش‌آموخته‌ی دکتری تاریخ ایران اسلامی

دانشگاه شیراز





تشریح



کرم پخش

این مجموعه کتاب، نتیجه‌ی یکی از فعالیت‌های علمی «کرمی پژوهشی حافظ» است.

نام کتاب:	تاریخ اجتماعی شیراز در سده‌های هفتم و هشتم هجری
نویسنده:	دکتر هادی پیروزان
سروراستار و ناظر علمی مجموعه:	دکتر کاووس حسن‌لی
دستیار پژوهشی مجموعه:	دکتر فرزانه معینی
ویرایش:	موسسه گنجینه (الهام خواست خدایی - صدیقه جابری)
طرح جلد و صفحه‌آرایی:	مجید شمس‌الدین
چاپ و صحافی:	نقطه
چاپ / شمارگان:	اول ۱۳۹۸ / ۱۵۰۰ نسخه
شابک:	۹۷۸-۶۲۲-۶۹۴۲-۰۲-۷
شابک دوره:	۹۷۸-۶۲۲-۶۹۴۲-۰۵-۸
قیمت:	۶۵۰۰۰ تومان

تمامی حقوق این اثر برای نشر خاموش محفوظ است.

ارتباط با نشر خاموش: ۰۹۱۲۰۱۷۸۱۹۴ | ۰۹۱۳۱۷۸۱۹۲

www.khamooshpub.ir | www.khamooshpub.com | @khamooshpubch

تهران، ولنجک، خیابان گلستان سوم، پلاک ۳، همکف

هرگونه کپی برداری، برداشت و اقتباس از تمام یا قسمتی از این اثر، منوط به اجازه‌کتابی ناشری باشد

مرکز پخش: پخش ققنوس، میدان انقلاب، خیابان منیری جاوید (اردیبهشت)، بن بست مبین، شماره ۴
تلفن: ۰۶۶۴۰۰۸۶۴۰ / ۰۶۶۴۶۰۰۹۹

مرکز پخش: پخش چشمه: بلوار دماوند، بعد از سه راه تهران پارس بلوار اتحاد، اتحاد ۱۱، پلاک ۸
تلفن: ۰۷۷۷۸۸۵۰۲ / ۰۷۷۱۴۴۸۰۸ / ۰۷۷۱۴۴۸۲۱

فروشگاه: کتابفروشی توس. خیابان انقلاب، نبش خیابان دانشگاه. پلاک ۱۷۸

تلفن: ۰۶۶۴۶۱۰۰۷

تاریخ اجتماعی شیراز

فهرست

- ۱۱..... مقدمه‌ی سرویراستار و ناظر علمی مجموعه
۱۸..... دیباچه
۲۰..... مقدمه

فصل اول

- ۲۷..... گروه‌بندی طبقات اجتماعی در ایران عصر میانه
رویکردهای منابع تاریخ ایران دوره‌ی میانه به مسئله‌ی طبقات و گروه‌های اجتماعی ...
۲۸
۰۳..... میراث ایرانی و یونانی در گروه‌بندی اجتماعی ایران بعد از اسلام
۳۶..... گروه‌بندی جامعه‌ی ایرانی در سده‌های میانه (پیش از مغول)

فصل دوم

- ۴۱..... طبقات اجتماعی در عهد مغول
۴۲..... تأثیرات سیاسی اجتماعی حمله‌ی مغول بر جامعه‌ی ایرانی
۴۲..... تأثیرات حمله‌ی مغول بر طبقه‌ی حاکم در قرن هفتم
۴۳..... مغولان؛ حاکمانی دور از شهر

۴۹.....	مغولان؛ حاکمانی کافر در جهان اسلام.....
۵۵.....	طبقه‌ی حاکم فارس در عهد مغول (نیمه‌ی اول قرن هفتم).....
۶۴.....	طبقه‌ی حاکم فارس در عهد مغول (نیمه‌ی دوم قرن هفتم).....
۶۶.....	جایگاه مقام وزارت در فارس در قرن هفتم.....
۷۱.....	کشمکش میان دیوان سالاران فارس و حاکمان مغولی (نیمه‌ی دوم قرن هفتم).....
۸۴.....	طبقه‌ی حاکم فارس در قرن هشتم.....
۸۴.....	خاندان طیبی؛ محصلان مالیاتی فارس.....
۸۶.....	حکومت آل اینجو بر فارس.....
۹۷.....	آل مظفر در شیراز.....

فصل سوم ۱۰۱

۱۰۱.....	گفتمان‌ها و گروه‌بندی‌های مذهبی اجتماعی در فارس.....
۱۰۲.....	گفتمان‌های مذهبی در جامعه‌ی ایران در عصر مغول.....
۱۰۶.....	شیراز؛ تحول از گفتمان ملی به گفتمان مذهبی.....
۱۱۲.....	جای‌شناسی مذهبی شیراز بر اساس منابع جغرافیایی.....
۱۱۴.....	گفتمان اهل سنت در قرون میانه (پیش از عصر مغول).....
۱۱۶.....	راست‌دینی.....
۱۱۸.....	جایگاه سیاسی اجتماعی علمای اهل سنت (پیش از عصر مغول).....
۲۲۱.....	نهاد قضاوت (پیش از عصر مغول).....
۱۲۶.....	خاندان مقاریضی.....
۱۲۷.....	خاندان ادیب صالحانی.....
۷۲۱.....	خاندان روزبهانی.....
۸۲۱.....	خاندان‌های ذی نفوذ با صبغه‌ی قضاوت (پیش از عصر مغول).....
۱۳۰.....	خاندان ابوئبرده (فزاری).....
۲۳۱.....	نهضت مدرسه‌سازی در جهان اسلام (پیش از عصر مغول).....
۷۳۱.....	مدارس دینی شیراز (پیش از عصر مغول).....
۱۳۸.....	مدرسه‌ی فزاری.....
۱۳۹.....	مدرسه‌ی زاهدیه.....

فصل چهارم ۱۴۲

- ۱۴۲ پیامد حمله‌ی مغول بر گفتمان اهل سنت و طبقات اجتماعی
- ۱۴۳ پیامد حمله‌ی مغول بر گفتمان اهل سنت
- ۱۴۵ سقوط خلافت عباسی؛ تضعیف مفهوم راست دینی در جهان اسلام
- ۱۵۰ خلافت عباسی؛ نماد راست دینی در گفتمان اهل سنت
- ۱۵۲ جایگاه اجتماعی خلافت تا پیش از عباسیان
- ۱۵۵ جایگاه سیاسی اجتماعی خلافت عباسی در تاریخ ایران
- ۱۶۰ خلافت عباسی؛ حافظ مذهب اهل سنت
- ۱۶۳ قداست خلافت عباسی در میان جامعه‌ی اسلامی
- ۱۶۷ نابودی مراکز مهم دینی و علمی اهل سنت در ایلغار مغول
- ۱۸۱ قدرت گرفتن تشیع در دوره‌ی مغول
- ۱۸۳ قدرت گرفتن مراکز علمی تشیع
- ۱۸۶ قدرت نمایی تشیع در عرصه‌ی اجتماعی جامعه‌ی ایران
- ۱۸۸ قدرت نمایی تصوف در جامعه‌ی ایران بعد از حمله‌ی مغول
- ۱۹۱ پیوند تسنن با تصوف شریعت‌گرا (مکتب بغداد)
- ۱۹۵ - ۱۱ - جایگاه تصوف بعد از حمله‌ی مغول
- ۱۹۹ توجه نکردن به علوم دینی اهل سنت در مدارس دوره‌ی مغول و ایلخانی
- ۲۰۲ تضعیف نهاد قضاوت در دوره‌ی مغول

فصل پنجم ۲۰۹

- ۲۰۹ فارس، حافظ میراث اهل سنت
- ۲۱۰ فارس، حافظ میراث دینی اهل سنت
- ۲۱۱ ترویج علوم دینی اهل سنت در فارس
- ۲۲۱ احیای مشروعیت خلافت در فارس
- ۲۲۵ شیراز و تشیع در قرن‌های هفتم و هشتم
- ۲۳۱ تصوف در شیراز
- ۲۳۷ نفوذ اجتماعی تصوف در شیراز

۲۳۹.....	طبقات عامه‌ی شیراز.....
۲۴۳.....	فتوت؛ تصوفِ اصناف شیراز.....
۲۴۹.....	فعالیت‌های سیاسی اصناف (کلوها) در شیراز.....
۲۵۷.....	سخن پایانی.....
۲۶۱.....	منابع و مآخذ.....

مقدمه‌ی سرویراستار و ناظر علمی مجموعه

در یکی از روزهای تابستان ۱۳۹۶ آقای مهدی حسینی (که او را پیش‌تر نمی‌شناختم) با من تماس گرفتند و درباره‌ی همکاری برای ساخت فیلمی در پیوند با سعدی، خواجو و حافظ گفت‌وگو کردند و برای مشورت درباره‌ی چند و چون آن کار، درخواست کردند تا دیداری داشته باشیم. قرار دیدار برای فردای آن روز گذاشته شد. آقای حسینی زمان مقرر به دفتر کار من در بخش فارسی دانشگاه شیراز آمدند و پس از معرفی بنیاد خیریه‌ی فرهنگی صدر هاشمی نژاد و فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی آن، درباره‌ی تصمیم آن بنیاد برای ساخت مجموعه‌ای تلویزیونی (سریال ۹۰ قسمتی و فیلم سینمایی) درباره‌ی سعدی و حافظ توضیح دادند و درخواست کردند مسئولیت علمی و پژوهشی این مجموعه را بپذیرم. توضیحات آقای حسینی و تأکید او بر ساخت اثری شاخص، فاخر و عظیم در سطح آثار بین‌المللی و آمادگی کامل بنیاد صدر برای تأمین هزینه‌های تولید و ساخت آن، برای کسی مانند من که دلبسته‌ی چنین

اقدامات بزرگ فرهنگی هنری هستم، برانگیزاننده بود؛ اما به دلیل تردیدی که در تحقق این‌گونه رویاها داشتم و تا آن روز نیز نامی از آن بنیاد نشنیده بودم، نتوانستم سخنان شوق‌انگیز او را جدی بگیرم. پی‌گیری‌های آغازین آقای حسینی، باعث شد نشست‌های دوجانبه‌ی ما در پاییز و زمستان ۱۳۹۶ ادامه یابد. در این نشست‌ها درباره‌ی ابعاد مختلف طرح و سازوکارهای اجرایی آن ساعت‌ها گفت‌وگو کردیم و من کم‌کم احساس کردم فرصتی مغتنم پیش آمده که می‌توان از آن برای پژوهشی شایسته بهره برد و آثاری را برای آیندگان پدید آورد. در همین مدت قرار شد در آن مجموعه‌ی نمایشی به خواجوی کرمانی نیز پرداخته شود؛ از همین رو پیشنهاد کردم به جای عنوان بلند «طرح سریال ۹۰ قسمتی سعدی، خواجو و حافظ» عنوان کوتاه‌تری چون: «طرح خورشیدهای سه‌گانه» جایگزین شود که شد.

در نشست‌های نخستین بر ضرورت پژوهشی مستقل، دقیق، علمی، گسترده و همه‌جانبه برای این‌گونه از آثار تأکید کردم و آقای حسینی در همه‌ی موارد با من اظهار هم‌نظری می‌کردند. با توجه به این که تهیه‌ی چنین مجموعه‌ی نمایشی، چنانچه به شایستگی صورت گیرد و به خوبی انجام پذیرد، اقدامی بسیار ارزشمند خواهد بود، بالاخره مسئولیت پژوهش این اثر را - به شرط اختیار کامل در مرحله‌ی پژوهش - در بهمن ماه ۱۳۹۶ پذیرفتم.

سپس با بسیاری از متخصصان و صاحب‌نظران گفت‌وگو کردم تا طرح کلی (نقشه‌ی راه) را تدوین کنم. می‌توانستم از پژوهش‌های پیشین خودم استفاده و متنی تازه را بازتولید کنم؛ برای نمونه می‌شد متن کتاب «دریچه‌ی صبح» (بازشناسی زندگی و سخن سعدی) و کتاب «چشمه‌ی خورشید» (بازشناسی زندگی و سخن حافظ) را که پیش از این نوشته بودم و منتشر شده است، و اتفاقاً ترجمه‌ی هر دو کتاب هم چاپ شده است، با گسترش برخی فصل‌ها و تغییراتی در فصل‌های دیگر آماده کرد و برای نگارش فیلم‌نامه تحویل داد؛ اما این کار را نکردم. به نظر رسید شایسته‌تر آن است که کاری متفاوت صورت پذیرد تا دستاورد این پژوهش به سرنوشت پژوهش‌هایی که برای سریال‌ها و

فیلم‌های دیگر انجام گرفته، دچار نشود که به‌گونه‌ی «یک بار مصرف»، تنها برای همان مقصود خاص، قابل بهره‌برداری ست. از همین رو تصمیم گرفتم با بهره‌گیری از توان همکاران دیگر و با سفارش تألیف به آن‌ها زمینه‌ی تولید آثاری مستقل و تازه را فراهم آورم؛ تا این آثار هم متن‌هایی مناسب برای تدوین فیلم‌نامه و ساخت این سریال باشند و هم مرجعی جامع برای هرگونه تحقیق و بهره‌برداری دیگر که به این موضوعات در آینده مربوط می‌شوند. در این صورت حتی اگر تهیه‌کنندگان و سازندگان فیلم به هر دلیل از تصمیم خود بازگردند و ساخت این سریال و فیلم به نتیجه نرسد، مجموعه‌ای از کتاب‌های ارزشمند تولید و به مردم فرهنگ‌ور کشور پیش‌کش می‌شد.

برای کمک به فیلم‌نامه‌نویس، کارگردان و سازندگان مجموعه‌ی نمایشی یادشده بی‌گمان باید اطلاعات مورد نیاز آن‌ها از جمله موارد زیر، براساس منابع معتبر (قدیم و جدید) گردآوری، بازخوانی و تدوین می‌شد:

■ بررسی تحولات سیاسی و اجتماعی در سده‌های هفتم و هشتم (دوران زندگی سعدی، خواجو و حافظ) و بازنمایی تصویری نزدیک به واقعیت از جامعه در این دو قرن با شناسایی و معرفی طبقات مختلف جامعه و چگونگی ارتباط آن‌ها با یکدیگر؛ تا از این راه، چگونگی ارتباط شاعران سه‌گانه با طبقات و گروه‌های مختلف جامعه، به‌ویژه دستگاه‌ها و خاندان‌های حکومتی، روشن‌تر شود.

■ بازشناسی سیر زندگی هر کدام از این سه سخنور نامی با دوره‌بندی آن و معرفی شخصیت‌های ادبی، علمی، دینی، فلسفی، عرفانی و... که با این شاعران هم‌دوره بوده‌اند.

■ بررسی جغرافیای تاریخی شهرهای شیراز و کرمان در سده‌ی هفتم و هشتم (بازارها، محله‌ها، مساجد، مدارس، بیمارستان‌ها، زیارتگاه‌ها و...) و عناصر گوناگون فرهنگ مردم شیراز و کرمان در سده‌ی هفتم و هشتم (شناسایی انواع آیین‌ها، باورها، پوشش‌ها، داروها، غذاها، ظروف، ابزار جنگی، لوازم و شیوه آرایش و...).

برپایه‌ی آنچه گفته شد بر آن شدم تا یک مجموعه کتاب را طراحی کنم و به یادگار بگذارم، حتی اگر سفارش دهندگان با چنین اقدامی موافق نباشند، پس از گفت‌وگوهای تخصصی با برخی از دوستان همدل، موضوعات اصلی پژوهش تعیین گردید و سفارش تألیف داده شد که حاصل آن (به ترتیب الفبا)، آثار زیر است:

۱. تاریخ اجتماعی شیراز در سده‌های هفتم و هشتم. (مؤلف: دکتر هادی پیروزان، دانش‌آموخته‌ی تاریخ دانشگاه شیراز).

۲. تاریخ تحولات سیاسی اجتماعی کرمان در عصر خواجه. (مؤلف: دکتر جمشید روستا، عضو هیأت علمی گروه تاریخ دانشگاه شهید باهنر کرمان).

۳. تدبیر و شمشیر؛ شیراز کانون مهم سیاسی و نظامی در سده‌های هفتم و هشتم هجری (مؤلف: دکتر سید ابوالقاسم فروزانی، استاد گروه تاریخ دانشگاه شیراز).

۴. جغرافیای تاریخی شهر کرمان در دوران میانه: عصر خواجه. (مؤلف: دکتر جمشید روستا، عضو هیأت علمی گروه تاریخ دانشگاه شهید باهنر کرمان).

۵. جغرافیای تاریخی شیراز در سده‌های هفتم و هشتم. (مؤلف: دکتر مصطفی ندیم، عضو هیأت علمی گروه تاریخ دانشگاه شیراز).

۶. زندگی حافظ شیرازی؛ برپایه‌ی اشعار نشانه‌دار تاریخی دیوان. (مؤلف: آقای منصور پایمرد، حافظ پژوه و مدرس کلاس‌های مرکز حافظ‌شناسی).

۷. زندگی خواجه‌ی کرمانی (مؤلفان: آقای دکتر محمدصادق بصیری، استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه باهنر کرمان و خانم دکتر نازنین غفاری).

۸. زندگی سعدی شیرازی. (مؤلف: دکتر جواد بشری، عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران).

۹. فرهنگ عامه در آثار خواجه‌ی کرمانی. (مؤلف: دکتر محمدرضا صرفی، استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان).

۱۰. فرهنگ مردم شیراز در دوره‌ی سعدی و حافظ. (مؤلفان: دکتر فرزانه معینی، دکتر مدینه کرمی و دکتر انسیه هاشمی، دانش‌آموختگان زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز و دکتر ابراهیم اکبری، عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت).

۱۱. کتیبه‌ی شکسته؛ شناخت‌نامه‌ی مختصر بزرگان نامدار شیراز و فارس در سده‌های هفتم و هشتم هجری. (مؤلف: دکتر مهدی فاموری، عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی یاسوج).

جز موارد یادشده، «نمایه‌ی کتاب‌شناسی و مأخذپژوهی سده‌ی هفتم و هشتم» و «اعلام تاریخی و جغرافیایی کلیات سعدی» نیز از موضوعات پژوهشی بود که به دلایلی به مرحله‌ی نهایی نرسید. در مراحل طراحی موضوعات و نگارش آن، ارتباط من با سفارش‌دهندگان اولیه، بارها دچار نوسان و وقفه‌های طولانی می‌شد، شرح این هجران و این خون جگر / این زمان بگذار تا وقت دگر، از همین رو برنامه‌ها را در مرکز حافظ‌شناسی پی‌گیری کردیم و قراردادهای تألیف با مؤلفان محترم را در برگیره‌های رسمی با سربرگ آن مرکز تنظیم کردیم تا تعهد آن‌ها را خودم پذیرفته باشم و خوشبختانه به همه‌ی تعهداتم در برابر این بزرگواران (معمولاً زودتر از زمان مقرر) عمل کردم.

در مدت پژوهش، مؤلفان محترم برای همگامی با دیگر پژوهشگران گروه، نتایج پژوهش‌های خود را مرحله‌به‌مرحله گزارش می‌کردند و برای هماهنگی و هدایت مسیر تحقیقات نشست‌های گوناگون برگزار می‌شد؛ همچنین برای سرعت بخشیدن و سامان دادن به بخشی از کار، به‌ویژه در پژوهش مربوط به فرهنگ مردم شیراز در سده‌ی هفتم و هشتم و آثار سعدی و حافظ، برنامه‌نویسی

و تولید یک نرم‌افزار به آقای دکتر احسان رئیسی (عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان) سفارش داده شد. این نرم‌افزار نیز پس از چندین جلسه گفت‌وگو تهیه شد و گروه پژوهشی فرهنگ مردم شیراز کار خود را در قالب همین نرم‌افزار سامان دادند.

در میانه‌های کار بود که متوجه شدم طرح ساخت سریال، از پیشنهادهای آقای سید تقی سهرابی، مدیر صدا و سیما، مرکز فارس به بنیاد یادشده بوده است؛ از همین رو در پیوند با چگونگی این طرح و آینده‌ی آن چندین نشست گفت‌وگو نیز با ایشان برگزار شد.

پس از پایان یافتن تحقیقات، گزارش همه‌ی پژوهش‌ها که در قالب کتاب تهیه شده بود، بررسی و برای تکمیل کار و ارزیابی به داوران متخصص سپرده شد؛ سپس مؤلفان محترم، متن‌ها را بر پایه‌ی پیشنهادهای اصلاحی داوران بازخوانی و اصلاح کردند. کتاب‌ها برای ویرایش و هم‌سان‌سازی به گروه ویراستاری گنجینه (زیر نظر خانم الهام خواست‌خدایی) سپرده شد تا برای انتشار آماده شود. گروه ویراستاری بر پایه‌ی شیوه‌نامه، کتاب‌ها را ویرایش کردند؛ اما در مواردی اندک نیز به خواست مؤلفان که هم‌سان با شیوه‌نامه نبود، گردن نهادند.

امروز که این پژوهش ارزنده سامان یافته و با همه‌ی دشواری‌ها و فراز و فرودهایش، که بهتر است بدان نپردازم!، به پایان رسیده است، بسیار خوشبخت و خرسندم که با تلاشی دوساله مجموعه‌ای از آثار ارزشمند، همچون دانشنامه‌ای کاربردی، فراهم آمده و در اختیار خوانندگان و خوانندگان خواهدگان آن قرار گرفته است. این مجموعه‌ی ارزشمند که اکنون با نام «دو سده سخنوری» انتشار می‌یابد، برگ زرین دیگری است که بر کارنامه‌ی فرهنگی و علمی مردم شیراز و کرمان افزوده می‌شود.

در پایان از آقای مهدی حسینی که پیشنهاد نخستین را دادند و از آقای مجید شمس‌الدین، مدیر محترم نشر خاموش، که در مراحل فرجامین (مرحله‌ی ویراستاری) از این مجموعه باخبر شدند و با اشتیاق به انتشار آن

همت گماشتند، سپاس گزارم و خود را وام دار همه‌ی بزرگوارانی می‌دانم که از آغاز تا انجام این کار، به شیوه‌های گوناگون همکاری و دستگیری کرده‌اند. اگر یادکرد نام همه‌ی آن‌ها ممکن نباشد، از یادکرد سپاس‌انگیز نام این عزیزان که در جایگاه‌های مختلف (مؤلف، داور، مشاور، ویراستار، صفحه‌آرا و...) همراهی کرده‌اند، ناگزیریم؛

خانم‌ها: سحر پورمهدی‌زاده، دکتر صدیقه جابری، مهناز جوکاری، دکتر فهیمه حیدری، الهام خواست‌خدایی، صبا دباغ‌منش، دکتر منیژه عبداللهی، دکتر نازنین غفاری، دکتر مدینه کرمی، دکتر فرح نیازکار، دکتر انسیه هاشمی و به‌ویژه دکتر فرزانه معینی که با همدلی همیشگی و همراهی ستودنی خود، هماهنگ‌کننده و سامان‌دهنده‌ی بسیاری از امور بودند.

و آقایان: دکتر ابراهیم اکبری، دکتر نصرالله امامی، دکتر حسن باستانی‌راد، دکتر جواد بشری، دکتر محمدصادق بصیری، منصور پایمرد، دکتر هادی پیروزان، دکتر محمد جعفری قنواتی، دکتر مجتبی خلیفه، دکتر اصغر دادبه، دکتر حسن ذوالفقاری، دکتر احسان رئیسی، دکتر جمشید روستا، ایرج زبردست، سیدتقی سهرابی، دکتر محمدرضا صرفی، دکتر مهدی فاموری، دکتر سیدابوالقاسم فروزانی، علی قادری، دکتر محمدحسین کرمی، دکتر کورش کمالی سروستانی، مهندس حسن محبوب فریمانی، دکتر محمود مدبری، سیدمحمدحسن نبوی‌زاده، دکتر اکبر نحوی، دکتر مصطفی ندیم، محمد نظری، مجید نیک‌پور و مسعود هوشیاری.

کاووس حسن‌لی

تابستان ۱۳۹۸ - دانشگاه شیراز

دیباچه

طی سال‌های اخیر در میان محققان و پژوهشگران تاریخی، رویکرد نظری و عملی به تاریخ‌نگاری اجتماعی در قیاس با دهه‌های گذشته‌ی آن به مراتب از اقبال و توجه بیشتری برخوردار شده است و از نظر کمیّت و کیفیت عرصه‌ی وسیع‌تری از ما حاصل مطالعات و پژوهش‌های تاریخی را به خود اختصاص داده است. این امر قابل پیش‌بینی است که در آینده نیز این حوزه‌ی مهم مطالعاتی خواهد توانست گام‌های اساسی‌تر و محکم‌تری را بردارد و نتیجه‌ی آن بی‌تردید روشن‌تر کردن هرچه بیشتر زوایای پیدا و پنهان تاریخ اجتماعی سرزمین ایران است.

نگارش این پژوهش برای نگارنده، که دانش‌آموخته‌ی تاریخ ایران است، تلاشی برای به‌تصویر کشیدن برهه‌ای از تاریخ اجتماعی این مرزوبوم با محوریت شهر شیراز در سده‌های پراز حادثه و ماجرای هفتم و هشتم هجری بوده است. در سده‌هایی که ایران کهن در آشوب و فتنه‌ی مغولان و ویرانی‌های پس از

آن شاید بسیار خسته‌تر و زخم‌خورده‌تر از همیشه‌ی تاریخ درازدامنش به سر می‌برد، بی‌شک روشن‌کردن تمامی ابعاد تحولات و انقلاب‌های اجتماعی در شیراز سده‌های هفتم و هشتم هجری، هم به دلیل رویکرد سیاسی غالب بر محتوای منابع تاریخی ایران و هم به سبب گستره‌ی وسیعی از متعلقات تاریخ اجتماعی در سده‌های میانه، کاری بس پیچیده و درعین حال حجیم و گسترده را می‌طلبد؛ با وجود این در پژوهش پیش رو تلاش شده است در این زمینه‌ی مطالعاتی، گوشه‌ای از تاریخ اجتماعی شیراز در دو سده‌ی فوق روایت شود.

در اینجا وظیفه‌ی خود می‌دانم از آقایان دکتر کاووس حسن‌لی، دکتر کیوان مددی و خانم دکتر فرزانه معینی به دلیل همیاری و مساعدتشان در آماده‌سازی این اثر، کمال تقدیر و تشکر را داشته باشم.

دکتر هادی پیروزان

مقدمه

با ورود مغولان به ایران فصل جدیدی در تاریخ ایران رقم می‌خورد و انقلابی سیاسی رخ می‌دهد و حاکمانی جدید جایگزین حکام پیشین می‌شوند و براریکه‌ی قدرت می‌نشینند. تغییر حکام قدرت، به خودی خود، نمی‌تواند مبحث موردعلاقه‌ای برای يك محقق تاریخ اجتماعی باشد و این جابه‌جایی‌های قدرت سیاسی که بارها در پی جنگ‌ها و نبردها در تاریخ ایران پدید آمده است، در ردیف موضوعات تواریخ سیاسی‌ای قرار می‌گیرند که حجم عظیمی از کتاب‌های تاریخی ایران و جهان را لااقل تا یک سده‌ی پیش به خود اختصاص داده‌اند.

اغلب تاریخ‌نگاری سنتی ماهیت روایی داشت و معمولاً حوادث مهم را گزارش می‌کرد و یکی از مهم‌ترین موضوعات آن سرگذشت شاهان و حاکمان بود. این نوع نگارش اگرهم در پی فهم کنش‌های اعتقادی و اجتماعی برمی‌آمد بدین سبب بود که مربوط به برخی از صاحبان قدرت می‌شد. پرداختن به

جنگ‌ها و مسائل دیپلماتیک بین کشورها نیز از موضوعات مورد توجه در تاریخ سنتی به شمار می‌آید؛ پس سه موضوع سرگذشت شاهان، جنگ‌ها و روابط دیپلماتیک از مهم‌ترین و پرحجم‌ترین مباحث در تاریخ سنتی بود (نوذری، ۱۳۷۹: ۴۳).

توجه به تاریخ سیاسی فقط منحصر به سنت تاریخ‌نگاری در غرب نبود؛ بلکه سنت تاریخ‌نگاری ایرانی اسلامی نیز سنت شاهنامه‌نویسی بوده است در برابر اصطلاح مردم‌نامه‌نویسی یا توجه به زندگی عامه‌ی مردم. غلبه‌ی تاریخ سیاسی و توجه به طبقات حاکمان در سرتاسر متون تاریخی ایران اسلامی به وضوح قابل مشاهده است؛ برای نمونه مورخی چون ابوالحسن بیهقی در مقدمه‌ی تاریخ بیهقی، که در زمره‌ی تواریخ محلی است نه تواریخ عمومی، تاریخ را علم شاهان و علمی شاهانه تلقی می‌کرد «هیچ‌کس بدین علم حاجتمندتر از ملوک و امرا نباشد؛ زیرا که مصالح کلی عالم تعلق به رای و رایت ایشان دارد» (بیهقی، ۱۳۶۱: ۱۵).

صد البته در چیرگی این سنت از تاریخ‌نگاری چیزی به نام تاریخ مردم و به تبع تاریخ اجتماعی نمی‌توانست شکل گیرد و رواج یابد؛ بنابراین به طور کلی از رویکردی به نام تاریخ اجتماعی یا فرهنگی در تاریخ‌نگاری اسلامی ایرانی و نیز از وجود مفهوم و گرایش به نام «تاریخ مردم» و «تاریخ جامعه» در آن سنت نمی‌توان نام برد (رحمانیان، ۱۳۸۶: ۶).

سده‌های هفتم و هشتم هجری نیز از این قاعده‌ی کلی در تاریخ‌نگاری ایرانی اسلامی مستثنی نیست. تواریخ نگاشته شده در این دو قرن به غایت از ذکر جهانگشایی‌ها و تاخت و تازهای حاکمان مغول و جانشینان ایشان در سرتاسر قلمرو و مرزهای ایران زمین مشحون است. آثار و پژوهش‌های بسیار اندک و محدود در زمینه‌ی تاریخ اجتماعی این قرن‌ها، خود بیانگر فقر منابع تاریخی این دوره است؛ اما با وجود این دست‌یافتن به درک بهتر و روشن‌تر از تاریخ اجتماعی قرن‌های هفتم و هشتم هجری به طور اعم و تاریخ اجتماعی

شیراز در این دو قرن به نحو‌اخص با تأمل و توجه به حوزه‌های مختلف آثار نگاشته شده در سده‌های پیش‌گفته ناممکن نیست.

با وجود اینکه برخی از متقدمان علم تاریخ‌نگاری در آثار خود به مؤلفه‌هایی از تاریخ اجتماعی اشاره‌هایی داشته‌اند؛ اما باید این موضوع را به نحو واضح‌تر در آثار متأخران اروپایی مانند ولتر، گیبون و بورکهارت جست. در واقع این بینش جدید از تاریخ‌نگاری، دانش جدیدی است که با شکل‌گیری مکتب آنال پدید آمد و تحولاتی را در نوع نگرش و شیوه‌ی استدلال مورخان ایجاد کرد. این مکتب که در قرن بیستم دو مورخ فرانسوی به نام‌های لوین فبور و مارک بلوخ آن را در پی انتقادات و اعتراض‌های جامعه‌شناسان و مورخان در نقد بینش تاریخ‌نگاری سنتی (سیاسی) پدید آوردند، روش جدیدی در تاریخ‌نگاری به شمار می‌آید.

یکی از مؤلفه‌های اصلی مکتب آنال، به‌عنوان پایه‌گذار اصلی تاریخ اجتماعی و ناقد جریان تاریخ‌نگاری سیاسی، در عرصه‌ی تاریخ‌پژوهی سبک زندگی مردمان گذشته است که امروزه مطالعات مورخان و محققان اجتماعی درباره‌ی آن وسیع‌تر شده است. «این دانش به مطالعه‌ی ساختار فرآیند و برآیند کنش آدمی می‌پردازد و پس از توجه بیش از حد به تاریخ سیاسی که دربرگیرنده‌ی تاریخ فرادستان و حکومت‌گران است مورد توجه جدی قرار گرفت» (جی، ۱۳۹۰: ۱۶۱).

همانند بسیاری از حوزه‌های علوم انسانی، هنوز تعریف دقیقی از تاریخ اجتماعی صورت نگرفته است. در برخی فرهنگ‌نامه‌ها تاریخ اجتماعی این‌گونه تعریف شده است:

«تاریخ اجتماعی نوعی فهم از تاریخ است که در مقام تحلیل و تبیین حوادث به گرایش‌های فکری، ویژگی‌های اخلاقی و سبک و سیاق زندگی عامه‌ی مردم نیز به‌عنوان یک عامل اثرگذار بر روند حوادث نگاه می‌کند. تاریخ اجتماعی، تاریخ منهای حاکمیت یا توجه به اقشار پایین جامعه یا توجه به

روابط میان همه‌ی انسان‌ها یا دانش بررسی تاریخ گروه‌ها یا فعالیت‌های اجتماعی است» (انوری، ۱۳۸۱: ۳/۱۵۶۸).

درواقع در این رویکرد نسبتاً جدید در عرصه‌ی تاریخ‌پژوهی، برای محققان تاریخ و پژوهشگران بازخوانی سرگذشت پادشاهان و حاکمان بزرگ و کوچک و شرح جنگ‌ها و درگیری‌های ایشان اهمیت چندانی ندارد. آنچه که با اندکی تسامح وجه مشترک تعاریف مختلف از تاریخ اجتماعی است این است که در واقع تاریخ اجتماعی بررسی تاریخ تحولات زندگی مردم و روابط گوناگون طبقات مختلف اجتماعی و البته ساختارهای شکل‌دهنده‌ی زیست‌جهان مردمان در دوره‌های مختلف تاریخی است. رویکردی که پژوهش حاضر تلاش داشته است مطابق آن پیش برود.

آنچه که این امکان را فراهم می‌کند تا هجوم مغولان به ایران از نگاه يك مورخ تاریخ اجتماعی قابل بررسی و توجه شود، نه فقط جابه‌جایی حاکمان از ترك و ترکمان به مغول بلکه امکان تغییر در گفتمان‌های غالب سیاسی، اجتماعی و مذهبی و به دنبال آن جابه‌جایی در هرم ساختار طبقات اجتماعی است؛ البته این تغییرات شامل طبقه‌ی خاکم هم می‌شود که مورخان تاریخ اجتماعی از منظر ساختار طبقه‌ی قدرت به آن توجه می‌کنند.

از این رو در این پژوهش سعی شده است برای فهم بهتر چگونگی روند و میزان تغییر در گفتمان‌های غالب و ساختار طبقات اجتماعی، ابتدا به تعریف و شناخت آن‌ها پرداخته شود و سپس تغییر و تحولاتشان در يك روند تاریخمند بررسی شود. در واقع این پژوهش تلاش می‌کند به این پرسش پاسخ دهد که ورود مغولان به سرزمین ایران تا چه حد توانسته است ساختارهایی را دچار تغییر و تحول کند که جامعه‌ی ایرانی پیش از مغول می‌شناخت و بر اساس آن زیست‌جهان خود را شکل می‌داد. در این میان توجه به جغرافیای موضوع این تحقیق بی‌شک مسئله را پیچیده‌تر کرده است.

در این سده‌ها، شیراز به عنوان جغرافیای تحقیق حاضر روایت متفاوتی با دیگر نقاط ایران پس از هجوم اقوام مغول دارد. در این برهه‌ی تاریخی، شیراز با

دوران‌دیشی حکام وقت خویش، از قتل، غارت و نابودی سرزمینی مصون ماند و از این حیث از اعتبار و امتیاز ویژه‌ای نسبت به دیگر نقاط ایران برخوردار شد. شیراز به استثنای چند دوره‌ی کوتاه مدت، در بیشتر این دو سده به طور مستقیم تحت قلمرو حکمرانان غیرمغولی بود.

با این حال نمی‌توان ادعا کرد که ایالت فارس و مرکز آن شیراز، فارغ از اندیشه‌ی مغولان بودند؛ بنابراین اگرچه مغولان در این سرزمین حضور مستقیم نداشتند؛ اما عنصر بی‌اثری هم به حساب نمی‌آمدند و شیرازیان ناگزیر با ایشان مناسبات، تعاملات و گاهی تقابلاتی داشته‌اند و همین امر تحقیق در باب تاریخ اجتماعی این منطقه را دشوار و پیچیده کرده است. در واقع رویکرد اصلی کتاب حاضر با در نظر گرفتن شرایط منحصر به فرد شیراز در این سده‌ها، تبیین این مسئله است که طبقات و گروه‌های مختلف اجتماعی در شیراز اعم از طبقه‌ی حاکم، دیوان‌سالاران، علما و طبقات عامه در تعامل و یا تقابل با حکومت مغولان چگونه عمل کرده‌اند و دچار چه تغییر و تحولاتی شده‌اند؟

پیچیده بودن مسئله‌ی این پژوهش تنها محدود به شرایط ویژه‌ی شیراز نسبت به سایر نقاط ایران محدود نمی‌شود؛ بلکه ذات تحقیقاتی از نوع و جنس تاریخ اجتماعی خود باعث می‌شود مسیر تحقیق خیلی هموار نباشد. برخلاف تواریخ سیاسی که در آن‌ها به طور معمول موضوع و یا به تعبیر دیگر سوژه در یک زمان و مکان خاص، محدود و مشخص روی می‌دهد و به تبع آن آغاز و انجام تحقیق، زمانمند و مکانمند است، موضوعات و مباحث در حوزه‌ی تاریخ اجتماعی نیازمند نوعی سیالیت مسیر تحقیق در زمان و مکان است؛ بنابراین در تحقیقات تاریخ اجتماعی به نحو عام و در این پژوهش به نحو خاص در بعضی مباحث به دلیل تعریف و تبیین آن‌ها زمان تاریخی بلندتر از دو سده و مکان نیز گاهی وسیع‌تر از محدوده‌ی شیراز در نظر گرفته شده است.

نکته‌ی دیگر اینکه برای رسیدن به پاسخی درخور برای مسئله‌ی مطرح شده ناگزیر باید ادبیات تحقیق را نسبت به تواریخ سیاسی وسیع‌تر گرفت. در واقع

آنچه بینش و روش در تاریخ اجتماعی را با دیگر عرصه‌های دانش تاریخ متفاوت می‌کند، میدان بسیار وسیع‌تر مطالعاتی در این دانش است. روش‌شناسی تاریخ اجتماعی مورخ را بر آن می‌دارد که نه تنها به واکاوی داده‌های متون تاریخ سیاسی از منظر اجتماعی پردازد؛ بلکه دیگر آثار قلمی مانند شاهنامه‌ها، آداب‌نامه‌ها، نصیحت‌الملوک‌ها و متون مربوط به تواریخ محلی و جغرافیای مربوط به بلاد و اصمار و... را که در متن فرهنگ تمدن بالنده‌ی اسلامی ایرانی در سده‌های هفتم و هشتم هجری پدید آمده، مورد واکاوی و مطالعه قرار دهد. در اصل، یکی از نقاط افتراق دانش تاریخ اجتماعی با سنت تاریخ‌نگاری در گذشته اهمیت دادن به حوزه‌ی وسیعی از منابع تاریخی است.

اهمیت پرداختن به این‌گونه پژوهش‌ها از یک سو و کمبود منابع تاریخی به دلیل بی‌توجهی مورخان در ارائه‌ی این اطلاعات از سوی دیگر، ما را بر آن می‌دارد تا با استفاده از منابع کمکی تاریخ به واکاوی گذشته‌ی تاریخی مسلمانان پردازیم؛ بنابراین برای رسیدن به هدف اصلی پژوهش حاضر، ناگزیر باید حوزه‌ی گسترده‌ای از آثار قلمی در سده‌های مطالعه شده که در این پژوهش قرن‌های هفتم و هشتم هجری است، واکاوی شود.

در روش تاریخ‌نگاری اجتماعی تمامی متون ادبی منشور و منظوم به مثابه‌ی یک منبع تاریخی اصیل برای تحلیل و بررسی در زمینه‌ی تاریخ اجتماعی قلمداد می‌شود. خوشبختانه در سده‌های هفتم و هشتم هجری آثار ادبی برجسته‌ای به دست بزرگانی همچون سعدی، مولوی، خواجو، اَوْحَدی، میرحسینی، سلمان و حافظ به نگارش درآمده است؛ از این رو قرن‌های هفتم و هشتم به صورت دوره‌ای خاص از جولان روح و فعالیت اندیشه‌ها درآمده و چون غالب آثار فکری و ذوقی آن عهد باقی مانده است، این پژوهش بسیار از آن‌ها سود برده است.

ایالت فارس و شهر شیراز چند اثر تاریخ محلی دارد که پاره‌ای از آن‌ها مانند مشیخه‌ی فارس از ابوالحسن علی دیلمی (متوفای حوالی سال ۳۷۱ق)، تاریخ شیراز از ابوالقاسم هبة‌الدین عبدالوارث بن علی شیرازی (م ۴۸۵ق)،

تاریخ فارس از محمد بن عبدالعزیز شیرازی (م ۶۶۴ق)، تاریخ مشایخ فارس از صائت‌الدین حسین بن محمد سلیمان، مشیخ فارس از شیخ ابوشجاع محمد بن سعدان مقاریضی (م ۵۹۰ق) و طبقات اهل شیراز ابو عبدالله قصار مفقودند؛ اما کتاب‌هایی چون *فارسنامه‌ی ابن بلخی*، *شیرازنامه‌ی ابن زرکوب*، *شدّ الإزار فی الاوزار عن زوار المزار معین الدین ابوالقاسم جنید بن محمود* و ترجمه‌ی فارسی آن از عیسی بن جنید و *فارسنامه‌ی ناصری* (تا پایان عصر ناصری) در دست هستند و متون مهمی در این پژوهش قلمداد می‌شده‌اند.

موضوعات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی عصر اسلامی از جمله عرفان و تصوف و حضور مشایخ در آن دیار نقش زیادی در تاریخ‌نگاری محلی آن ایفا کرده است به‌گونه‌ای که آثاری چون *شیرازنامه*، *مزارات شیراز* و *یا مشیخه‌ی اهل فارس* از نوع تواریخ محلی دینی با تأکید بر پدیده‌ی عرفان و تصوف عصر اسلامی نوشته شده‌اند و کتاب *شیرازنامه‌ی زرکوب*، تذکره‌ی مشاهیر و مشایخ صوفیه و علمای معروف شیراز است (ابن زرکوب، ۱۳۵۰: ۱۲۴-۲۰۸). در باب *شدّ الإزار*... باید گفت این اثر کتابی صوفیانه است که با هدف کسب ثواب و اجر در احوال عرفا، مشایخ و علمای مشهور نوشته شده است و لحن مداحانه و مملو از کشف و شهود و روایات کرامات‌گونه دارد. مؤلف این شیوه را حتی در احوال حاکمان و شخصیت‌های سیاسی ادامه داده است (شیرازی، ۳۶۴: ۲۶۶-۲۶۸)؛ از این رو مطالعه‌ی این آثار نیز در حوزه‌ی مطالعاتی تاریخ اجتماعی این دوره قرار گرفته است.

امید است که این پژوهش توانسته باشد با بهره‌گیری از منابع یادشده و البته پژوهش‌هایی که در این زمینه انجام شده است، گامی هرچند کوتاه در بازنمایی تاریخ اجتماعی شهر شیراز برداشته باشد.

فصل اول

گروه‌بندی طبقات اجتماعی در ایران
عصر میانه

رویکردهای منابع تاریخ ایران دوره‌ی میانه به مسئله‌ی طبقات و گروه‌های اجتماعی

بی‌شک یکی از دغدغه‌های اصلی و همیشگی تاریخ‌نویسان اجتماعی، به‌دست‌دادن گزارش و تصویری روشن، شفاف و صریح از گروه‌ها و زیرگروه‌های (طبقات) اجتماعی در این‌گونه تحقیقات است. اهمیت این موضوع به‌حدی است که اگر این هدف و یا به‌تعبیر بهتر این آرزوی هر مورخ تاریخ اجتماعی به تحقق پیوندد، مسیری که او در ادامه به‌دنبال خواهد داشت بسیار هموارتر می‌شود.

اما در عمل ارائه‌ی تصویری روشن از حضور و بروز تمامی گروه‌های پویای اجتماعی در تاریخ ایران به‌طور اعم و تاریخ شهر شیراز به‌نحو اخص فرایندی دشوار است و این مسئله به سنت تاریخ‌نگاری ما ایرانیان برمی‌گردد که در سبک تاریخ‌نگاری مان، جدا از طبقات حاکم (خواص) سهم چندانی به دیگر گروه‌های اجتماعی (طبقه‌ی متوسط و عوام) در رویدادهای تاریخی

نداده‌ایم. به تعبیر بهتر سنت تاریخ‌نگاری ما شاهنامه‌نویسی (درباری) در برابر مردم‌نامه‌نویسی بوده است. در این سبک از تاریخ‌نگاری آنچه که مورد نظر و توجه مورخ و یا وقایع‌نگار قرار می‌گیرد مسائل مرتبط با شاه و دربار و یا به طور کلی موضوعات و داده‌های سیاسی است.

درواقع وقایع‌نگاری سیاسی یکی دیگر از وجوه غالب تاریخ‌نگاری سنتی ما ایرانیان است. منظور از وقایع‌نگاری سیاسی، غلبه‌ی واحد سیاست بر دیگر واحدهای جامعه مانند اقتصاد، فرهنگ و اجتماع است. توجه صرف به تاریخ سیاسی و خاندان‌های حکومت‌گرو بی‌توجهی به حیات اجتماعی ملت از ویژگی‌های تاریخ‌نگاری سنتی است. در واقع در این تاریخ‌نگاری هر چه از هرم قدرت به سمت گروه‌های پایین اجتماعی حرکت می‌کنیم، نقش گروه‌ها کم‌رنگ‌تر و به طبع توجه مورخان آن‌ها نیز کمتر می‌شود.

آن لمبتون، از مورخان برجسته‌ی تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران در دوره‌ی میانه، معتقد است که هر نوع بحث و بررسی درباره‌ی ساخت و بافت جامعه‌ی ایران در دوره‌ی تاریخ میانه‌ی آن و تحولات اجتماعی که در ایام مختلف در آن رخ داده، بحثی با ماهیت تقریبی است. او بیان می‌دارد که مورخان و شرح حال‌نگاران در نوشته‌های خود برخی از طبقات اجتماعی را نادیده گرفته‌اند و در تاریخ‌ها بیشتر اعمال «اهل شمشیر» ضبط و ثبت شده است (لمبتون، ۱۳۷۲: ۲۴۲).

نظریه‌پردازان سیاسی مسلمان در هر دو وجه آن یعنی فیلسوفان سیاسی و فقهای اهل سنت، به‌عنوان مؤلفان احکام‌السلطانیه‌ها در دوره‌ی میانه، چنان بر شخصیت حاکم اهمیت قائل شده‌اند که نهادهای سیاسی اجتماعی را نادیده گرفته‌اند؛ البته نظام‌الملک تا حدودی از این امر مستثنی است. نویسندگان فلسفه‌ی سیاسی به‌عنوان یکی از وجوه نظریه‌پردازان سیاسی در تاریخ ایران میانه، هیچ توضیح و توصیف مشخصی را از آرمان‌شهر مورد نظر خود ارائه نمی‌دهند. در آثار ایشان جامعه مجموعه‌ای متشکل از طبقات مختلف است؛ اما طبقاتی که صرفاً استعاره‌ای از صفات نیک یک روح

تکامل یافته هستند. در نظریات فقهای اهل سنت (مذهب غالب در این دوره) نیز تأکید و توجه عمده بر روی شخص خلیفه است نه بر روش‌ها و فرایندهایی که باعث اجرای اصول مذهبی می‌شوند.

از این رو در تاریخ‌نگاری سنتی ایرانیان درباره‌ی عموم رعایا و جایگاه هر صنف از ایشان در جامعه مطالب چندان درخور توجهی در منابع تاریخ‌نگاری مشاهده نمی‌شود. صرف نظر از منابع تاریخ‌نگاری، در منابع تاریخی اعم از شعر، ادب، فقه و کلام هم به ندرت اطلاعات ارزنده‌ای در این خصوص یافت می‌شود. در این بین به طور معمول در کتاب‌هایی که عنوان «اخلاق» را یدک می‌کشیدند و کتاب‌هایی با عنوان‌های «نصیحة الملوک» و یا «اندرزنامه»‌ها می‌توان به شناختی از تبارشناسی نظام گروه‌بندی اجتماعی در ایران بعد از اسلام دست یافت. بر اساس داده‌های تاریخی، تبار گروه‌بندی اجتماعی در ایران از دو آبشخور فکری ایرانی و یونانی بیش از هر منبع معرفتی دیگر تغذیه شده است که در ادامه به تفصیل به آن پرداخته می‌شود.

میراث ایرانی و یونانی در گروه‌بندی اجتماعی ایران بعد از اسلام

آرمان‌های برابری جویی، شایسته‌سالاری و مساوات در اسلام توانایی ساخت جامعه‌ای را داشت که در آن هر عضوی از امت مسلمان فارغ از منزلت اجتماعی نژاد، قومیت یا ثروت که در هنگام تولد داشته می‌توانست بر اساس شایستگی و استحقاق شخصی به بالاترین موقعیت اجتماعی و مقام سیاسی دست یابد. چنین رویکردی را در برخی از آیات قرآنی و در سنت پیامبر و صحابه‌ی او می‌توان یافت. این رویکرد می‌توانست تمدنی فارغ از جهت‌گیری‌های قومی، قبیله‌ای و نَسبی را ایجاد کند و طومار طبقه‌بندی‌های اجتماعی رسوخ‌ناپذیر تمدن‌هایی را برجیند که سرزمین‌هایشان به وسیله‌ی اعراب مسلمان فتح شدند. در این مسیر موانعی وجود داشت. نخستین مانع برتری نژادی‌ای بود که برخی اعراب مسلمان به مردمان سرزمین‌های فتح شده